گذر

با حضور معاون اول رئیس‌جمهور

## افتتاح بزرگ‌ترین مزرعه مرغ مادر گوشتی غرب کشور

● **ایلنا:** بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین طرح تولید مرغ مادر گوشتی غرب کشور با حضور معاون رئیس‌جمهور و مقامات وزارت جهاد کشاورزی در استان لرستان افتتاح شد. پیشرفته‌ترین مزرعه مرغ مادر گوشتی غرب کشور با ظرفیت تولید صد هزار مرغ مادر با حضور حجت‌الاسلام شهیدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، مقامات وزارت جهاد کشاورزی و مقامات محلی استان لرستان در شهرستان چگنی به بهره‌برداری رسید. مالک رحمتی، معاون توسعه سازمان اقتصادی کوثر در این مراسم با بیان اینکه مجتمع مرغ ماهان جزء پروژه‌های شاخص کشوری و اولین پروژه بزرگ شهرستان چگنی و استان لرستان در ارتباط با طیور است، گفت: این طرح در زمینی به مساحت ۲۴ هکتار و با سرمایه‌گذاری ۳۳۰ میلیارد ریال احداث شد. وی افزود: این طرح برای صد نفر به طور مستقیم و برای دوهزارو ۸۰۰ نفر به طور غیرمستقیم اشتغال‌زایی کرده است. معاون توسعه سازمان اقتصادی کوثر با بیان اینکه این طرح دارای ۱۸ سوله است، اظهار کرد: صد هزار مرغ گوشتی در این مجتمع پرورش می‌یابد و ۱۴ میلیون جوجه تولید می‌شود که محصولات آن به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نظیر عراق صادر می‌شوند. وی گفت: سازمان اقتصادی کوثر بیشترین سرمایه‌گذاری خود را در لرستان انجام داده است به‌طوری‌که سه‌هزارو ۵۷۰ میلیارد ریال طرح در دست اجرا در لرستان دارد. رحمتی درخصوص طرح عمرانی کیو اظهار کرد: این طرح ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و مجتمع تجاری آن با بیشترین پیشرفت فیزیکی تا ۲۴ ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد. معاون توسعه سازمان اقتصادی کوثر گفت: جامعه هدف ما اشتغال‌زایی برای فرزندان ایثارگر است. مدیرعامل شرکت تولید مرغ مادر گوشتی ماهان نیز در این آیین توانمندسازی و اشتغال ایثارگران منطقه محروم لرستان، تحقق اهداف پدافند غیرعامل کشور و تأمین امنیت غذایی را از اهداف احداث این واحد تولیدی دانست و گفت: تکمیل زنجیره تولید و تأمین پروتئین موردنیاز غرب کشور و صادرات جوجه یک‌روزه به کشورهای همسایه از دیگر اهداف این طرح است. محسن شجاع‌الدین افزود: این مجتمع زیر نظر سازمان اقتصادی کوثر وابسته به بنیاد شهید و امور ایثارگران است. مجتمع صد هزار قطعه‌ای مرغ ماهان، اولین پروژه بزرگ شهرستان چگنی و استان لرستان است که با بهره‌برداری از آن گامی مثبت در جهت پیشرفت این شهرستان برداشته می‌شود. شهرستان چگنی شهرستانی نوپا در استان لرستان است که با داشتن طبیعتی در نوع خود منحصربه‌فرد از شهرستان‌های سرسبز و خوش‌آب‌وهوا در کشور است. مجتمع مرغ ماهان از پروژه‌های بزرگ شهرستان چگنی است که با بهره‌برداری از چنین پروژه‌هایی شهرستان چگنی می‌تواند راه پیشرفت را هرچه‌سریع‌تر بپیماید.

## پیشرفته‌ترین خط تولید ترمز ABS در ایران راه‌اندازی می‌شود

● قرارداد داخلی‌سازی ABS (سیستم ترمز ضدقفل) در ایران به‌زودی میان شرکت‌های رنوپارس، یک تأمین‌کننده مطرح اروپایی و یک شرکت ایرانی به امضا خواهد رسید. در گام بعدی قرار است این همکاری منجر به داخلی‌سازی ESP (نسل پیشرفته سیستم ترمز ایمن) شود. قرار است خط تولید ترمزهای ABS و ESP در یک شرکت ایرانی راه‌اندازی شده و در مدت یک سال به بهره‌برداری برسد. این پروژه سه فاز خواهد داشت: فاز اول یعنی مونتاژ کامل در سال ۲۰۱۸ اجرائی خواهد شد و دو سال بعد داخلی‌سازی عمیق نیز صورت خواهد گرفت. به لحاظ فناوری، این پیشرفته‌ترین قطعه خودروست که در ایران داخلی‌سازی می‌شود.

## حکم جالب قاضی برای بهره‌بردار غیرمجاز آب

● **ایرنا:** قاضی شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرزی مراوه‌تپه در شرق گلستان؛ بهره‌بردار غیرمجاز آب از چاه را محکوم کرد که مقاله‌ای پژوهشی درباره آثار منفی برداشت‌های غیرمجاز از سفره‌های آب زیرزمینی تهیه کند. براساس اعلام دادگستری هادی هاشمیان افزود: قاضی این فرد را مکلف کرده است در نوشتن مقاله از نظرهای پروفسور کردوانی پدر علم کویرشناسی ایران استفاده کند.

## خاموشی قطعی در انتظار پایتخت، مناطق گرمسیر و استان‌های شمالی

● **ایسنا:** مدیرعامل شرکت توانیر گفت: در صورت عدم مدیریت مصرف خاموشی قطعی در انتظار مناطق گرمسیر، استان‌های شمالی و پایتخت خواهد بود. آرش کردی با اشاره به ورود موج گرمای هماهنگ به کل کشور گفت: با توجه به اینکه در این هفته شاهد ورود موج گرما هم در استان‌های جنوبی و هم در استان‌های شمالی کشور هستیم، برای تأمین برق کشور با موانعی روبه‌رو شده‌ایم.

واکاوی وضعیت جایگاه ایران در اقتصاد جهانی

# مبالغه‌گویی در اقتصاد را متوقف کنیم

### مسئولان از خرید محبوبیت با ارائه آمارهای کمی ولی بی‌محتوا پرهیز کنند

سیدمحمد بحرینیان
صنعتگر و پژوهشگر توسعه

اقتصاد ایران با وجود ظرفیت‌ها و امکانات بالفعل و بالقوه کم‌نظیر، گرفتار مشکلات و مسائل پیچیده‌ای است. بی‌کاری، تورم، سطح سرمایه‌گذاری و تولید سرانه پایین و بهره‌وری نازل ازجمله این مشکلاتند. اینها همه معلول عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درهم‌تنیده‌ای هستند که صرفا با عبارات و گفتارهای پیچیده و سنگین نباید به توصیف آنها بسنده کرد و شاید لازم باشد با زبان و گفتار ساده‌تری به بحث درباره آنها پرداخت.

زمانی که جنگی (تهاجمی) حادث می‌شود، تأثیرپذیری و واکنش عوامل درگیر در آن متفاوت خواهد بود. غیر از مدافعانی که در میدان جنگ حضور دارند و مصائب و خطاها را با سلول‌های خود حس می‌کنند، بیش از همه، افرادی که در محل باقی مانده‌اند و نمی‌توانند پناهگاهی بیابند، در معرض خطرات و آسیب‌های جنگ قرار می‌گیرند. در مرحله بعد، افرادی که پناهگاهی یافته، اما در معرض آسیب‌های آوارگی از موطن و هویت خود قرار می‌گیرند صدمه می‌بینند. گروه چهارم فرماندهانی هستند که در نزدیکی محل جنگ و در سنگرهای مستحکم موضع گرفته و از ایمنی بهتری برخوردارند (که حق و منطق عقلانی هم همین را حکم می‌کند) اما در حال برنامه‌ریزی هستند که چگونه تلفات را به حداقل رسانده و ایمنی بیشتری را فراهم کنند و به‌گونه‌ای عمل کنند که چنانچه در صفحه شطرنج اسبی یا سربازی را از دست دادند، حداقل قلعه‌ای از دشمن را در اختیار بگیرند و نهایتا نبرد را به پیروزی رهنمون شوند. شاه‌بیت عملکرد این فرماندهان این است که تلاش می‌کنند آرایش صحنه را مطلقا به تصادف وا نگذارند. پنجمین گروه مردمی هستند که در دوردست‌های جنگ واقع شده‌اند و گرچه در آتش جنگ نیستند، اما ضربان قلب آنها با جنگ همنوا است و با ارسال کمک‌های مردمی و انسانی خود با جنگ هم‌داستان می‌شوند و درنهایت؛ گروه ششم، زیاده‌خواهان راحت‌طلبی هستند که در فاصله‌ای دور از میدان جنگ نشسته و در کنار گود دستور «لِنگش کن» صادر می‌کنند. قطعا برای اینان هیچ حقی در افتخارات نبرد متصور نیست، زیرا نه در میدان جنگ هستند و نه نقشی در این جنگ و درنهایت پیروزی آن برعهده داشته‌اند.

متأسفانه تاریخ نشان داده که در بسیاری موارد، با بی‌برنامگی‌های مدیران، میوه‌چینان فداکاری و صدماتی که آن تلاشگران تحمل کرده‌اند، همان ریزه‌خوارانی خواهند بود که نقشی در مبارزه نداشته و صدمه‌ای ندیده‌اند؛ درست همچون ارابه‌هایی که وقتی در مرداب فرو می‌روند در ابتدا، ارابه‌رانان را به کام مرگ می‌برند.

حال حکایت اقتصاد امروز ما و تحریم‌ها را هم با همین شباهت‌ها می‌توان مورد تحلیل قرارداد اما اجازه دهید ابتدا به وضعیت دیگری نیز پرداخته شود. کشور به دلیل دفاع جانانه زمان جنگ و اقدامات اقتصادی آن دوران که متأسفانه به دلیل فقدان برنامه‌ریزی تکمیلی ادامه نیافت (گرچه به‌ظاهر تاکنون برنامه‌هایی به اسم توسعه داشته‌ایم)، در سطح منطقه دارای قدرت سیاسی و امنیتی برجسته‌ای شد. اما در سال‌های پس از جنگ، تصمیمات مقطعی و عوام‌گرایانه، بدون آنکه از پشتوانه کارشناسان مستقل و آگاه کشور برخوردار باشد، فرصت‌های بسیاری از اقتصاد و جامعه ما گرفت. در شرایط نابسامان اقتصادی و درحالی‌که از تمهیدات لازم برای توسعه پایدار و تاب‌آوری اقتصاد غفلت شده بود، تحریم‌ها مزید بر علت شد و بر نابسامانی‌ها افزود.

نکته تأسف‌بار این واقعیت بود که اولا با تحکیم اجماع نسبی بین‌المللی در مورد فشار بر اقتصاد ایران (حتی با اجبار و فشار بر برخی کشورها)، زمینه، مسیر و پایه‌های تعادل نسبی اما ناباورو اقتصاد کشور به شکل جدی برهم زده شد. (با وجود آنکه تضاد منافع بین کشورها، این برخورد را برای تعدادی از آنها پرهزینه کرده بود، اشتباهات مکرر ما سبب اتحاد بین همه آنها شد). ثانیا حقیقت و طنز تلخ دیگر آن بود که همین کشورهایی که اکنون دوست تلقی می‌شوند، در آن زمان در شورای امنیت با رأی مثبت به وضع این تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان، زمینه‌های سوءاستفاده در راستای منافع خود را فراهم آوردند. همان‌گونه که منطقا نباید جنگ را نعمت دانست، بلکه درواقع جنگ نقمت است، با همان منطق نباید تحریم را نیز نعمت دانست، چراکه به جای عقلانیتی که باید پیش‌تر برای پایدارکردن رشد و شکوفایی اقتصاد به کار می‌گرفتیم - که نگرفتیم - در پوشش و به بهانه تحریم، بی‌تدبیری و خطاهای اساسی خود را نیز پنهان می‌کنیم.

تحریم البته یک حسن داشت و آن آشکارکردن دُمَلِ چرکینی بود که در اثر اشتباهات مهلک و سیاست‌های نَسنجیده دولت‌ها و قانون‌گذاران - اگر نه همه آنها - طی حداقل شش دهه بی‌تدبیری و اشتباهات مهلک به وجود آمده بود. در همین سال‌ها بود که منابع هنگفت و بی‌سابقه حاصل از صادرات نفت، با اقدامات نسنجیده حیف و میل شد و اقتصادی نحیف و آسیب‌پذیر و کاملا وابسته به خارج را به ارث گذاشت. این میراث، جنبه‌های دیگری هم داشت که دامن‌زدن به رقابت‌های مخرب و ایجاد صنایع دارای فناوری پایین و نامناسب از آن جمله بود. همه اینها، که ناشی از روزمرگی و نداشتن راهبرد و برنامه مشخص و سیاست‌گذاری عقلانی از سوی متولیان تولید در ۲۵ سال گذشته بود، ضعف‌های اساسی بخش تولید را پدیدار کرد. «جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است. می‌خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند» «حتی در همان تهدیدهایی که مستقیما از طرف دشمن هست، اگر ما ضربه خوردیم تقصیر خود ماست، کوتاهی خود ماست». «امروز یکی از نقدترین و بزرگ‌ترین چالش‌های کشور مسئله اقتصاد ملی است؛ اقتصاد کشور نیازمند یک حرکت جدی و یک کار بزرگ است... سیاست‌های خصمانه دشمنان که روی اقتصاد متمرکز شده‌اند».

کلید اصلی و برایند همه این رویکردها در قالب‌های زیر به نمایش درآمده است:

۱- تشدید فشار بر عامه مردم

۲- تشدید فشار بر عامه تولیدکنندگان

۳- ترویج بی‌سابقه مفت‌خوارگی از سوی دسته‌ای از ذی‌نفعان

۴- ترویج مصرف‌گرایی با تمرکز بر واردات کالاهای لوکس و تجملی.

توجه به این نکته که واردات کالاهای بند ۴ فوق هرگز مشمول تحریم‌ها نشد و نخواهد شد، مسئله‌ای است جدی که به‌شدت نیازمند رمزگشایی است. در این رابطه، تبلیغات ساده‌انگارانه متولیان و عوام‌فریبانه ذی‌نفعان و تأکید بر موفقیت‌های دروغین و مبالغه‌گویی و خودبزرگ‌بینی در اقتصاد هم از نکاتی است که به‌شدت باید به آن توجه کرد.

اینها واقعیت‌هایی تلخ از وضعیت امروز کشور و نقش مهم و استراتژیک اقتصاد و نقطه ثقل آسیب‌پذیری کشور است. با توجه به آمارهایی که در زیر ارائه خواهم کرد، شکنندگی اقتصاد کشور ما بهتر نمایان خواهد شد.

حیرت‌انگیز است که در همین بازه زمانی تحریم، یعنی از ابتدای سال ۱۳۸۴ (اولین مصوبه تحریم در تیرماه ۱۳۸۵ از سوی شورای امنیت تصویب شد) تا انتهای سال ۱۳۹۲، منابع ارزی هنگفت و بی‌سابقه‌ای از محل صادرات نفت و گاز و کالاهای غیرنفتی نصیب کشور شد. این سوای تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای نفتی، سوختی، حرارتی، برقی، خوراک پتروشیمی و کالایی وابسته به نفت بود که در اقتصاد فراهم شد. (توجه داشته باشیم که اگر از این منابع خدادادی برخوردار نبودیم، می‌بایست معادل دلاری ارزش مصرف داخلی منابع نفتی را به منظور مصرف داخلی، به صورت ارز پرداخت می‌کردیم. برای معادل‌سازی ارزی این مصرف داخل محاسباتی انجام پذیرفته که گزارش انتشاریافته دیگری قابل ملاحظه است).

در همین بازه زمانی هشت‌ساله، حداقل منابع دلاری فراهم‌شده، صرف‌شده و تزریق‌شده به اقتصاد کشورمان حدود ۱۴۰۴ میلیارد دلار بوده که سقف بالای آن ۱۹۰۳ میلیارد دلار (با احتساب ارزش دلاری گاز طبیعی مصرف‌شده در داخل) برآورد می‌شود. داده‌های آماری کشور از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۴، یعنی یک بازه زمانی ۵۶ساله، در دسترس است. با بررسی این آمارها درمی‌یابیم که حداقل ۵۵ درصد و حداکثر ۶۰ درصد از کل منابع ارزی فراهم و تزریق‌شده به اقتصاد کشور به قیمت‌های جاری طی ۵۶ سال مورد بحث (چه از طریق صادرات نفتی و غیرنفتی و چه از طریق معادل دلاری مصرف داخلی منابع نفتی)، مربوط به همین دوره هشت‌ساله تحریم بوده است. به بیان دیگر بیش از نیمی از درآمدهای ارزی کشور در ۵۶ سال (۱۳۳۸ تا ۱۳۹۴) در هشت سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ نصیب کشور ما شده، اما در همین دوره هشت‌ساله شاهد افزایش لجام‌گسیخته واردات، کاهش اشتغال مولد و تحمیل صدمات جدی به تولید داخلی بوده‌ایم. تحریم‌ها، با توجه به ساختارهای بیمار اقتصاد و عدم تمهیدات قبلی درخصوص تاب‌آوری اقتصاد، منجر به تشدید اثرات مهلک نارسایی‌ها در کشور شد. تردیدی نیست که اگر سوء مدیریت‌های پیشین، به ایجاد دُمَل‌های پی‌درپی قبلی در اقتصاد منجر نشده بود، تحریم‌ها به خودی خود نمی‌توانستند چنین عواقب مخربی را در پی داشته باشند. عوامل درگیر در این تحریم، با اندک تغییراتی، مشابه همان مثالی است که در مورد تهاجم گفته شد. با این تفاوت که در این مورد با تهاجم نرم (اقتصادی) مواجه هستیم.

دسته اول آسیب‌دیدگان از تهاجم نرم، گروه‌هایی بودند که به دلیل اعتقادات و مستقرکردن سرمایه خود بر زمین بنگاه‌ها، بدون داشتن پناهگاه، در میدان باقی ماندند. این گروه همان فعالان واقعی بخش‌های تولیدی بودند که به تولید با عمق‌های قابل توجه داخلی اشتغال داشتند.

دسته دوم گروه‌هایی بودند که می‌توانستند پناهگاهی برای خود فراهم کنند و با تولیدی که از سرهم‌بندی قطعات و مواد یا به‌اصطلاح مونتاژ حاصل می‌شود، روزگار بگذرانند. اینها اما، برخلاف دسته اول، سرمایه‌ای را به زمین میخ‌کوب نکرده و ریسک‌های سرمایه‌ای بالایی را به جان نخریده بودند. این گروه به زندگی یا خواب تولید خود ادامه دادند و اغلب آنها - اگر نه همه آنها- صدمه چندانی نخورده و منتظر فرصت بعدی مانده‌اند تا از خواب زمستانی بیدار شوند.

و دسته سوم راحت‌طلبانی هستند که فرسنگ‌ها دورتر از محل اصلی عملیاتی قرار گرفته و همان اصطلاح پیش‌گفته در موردشان مصداق دارد. یعنی کنار گود نشسته و خواهان «لِنگ‌کردن» مشکل هستند. اینها همان‌هایی هستند که با تکرار اتهام ناتوانی به مردان میدان عمل، بی‌آنکه به دشواری مبارزه بدون تسلیحات و امکانات لازم اشاره‌ای کنند، بذر نومیدی می‌افشانند تا به مقاصد خود دست یابند. در حقیقت این راحت‌طلبان، دست در دست خارجی‌ها گذاشته و منافع ملی را در پوشش الفاظ ظاهری و عوامانه بی‌محتوا، گاهی همراه با بَزَک علمی، به ثَمَن بخس به اجنبی وامی‌گذارند. یادمان نرود که در همان دوران تحریم نیز همین‌ها با استدلال‌های به‌ظاهر منطقی مبادرت به تشکیل گروه‌های مباشر وارداتی در کشور کردند و همچون قارچ روییدند و بالیدند.

اما مهم‌ترین نقطه تفاوت در میدان تهاجم نرم (اقتصاد) و میدان تهاجم سخت، غیبت فرماندهان اقتصادی دارای برنامه و عاقبت‌اندیشی و بلندنگری در سنگر است که موفقیت را به تصادف واگذاشته و سربازان و مردان میدان عمل را به حال خود رها کرده‌اند. ازقضا دلیل عدم تاب‌آوری اقتصاد کشور و ناکامی در حرکت در این مسیر، همان غیبت فرماندهان اقتصادی است که به بی‌اعتمادی مردان میدان عمل دامن زده است. کاهش سرمایه اجتماعی نیز با این وضعیت بی‌ارتباط نیست.

متأسفانه مردان میدان عمل خود را در شرایط تحمل‌ناپذیری می‌دیدند که سرنوشتشان، از سوی متولیان بخش‌های تولیدی کشور، به قَضا و قَدر واگذار شده است. در حقیقت آنچه در حال وقوع بود این بود که بدنه سنگین رو به سقوط اقتصاد، به‌واسطه تشدید اثر تصاعدی تحریم‌ها، همچون وزنه‌ای رهاشده درآستانه برخورد با زمین و در حال فروپاشی قرار داشت.

اما با یاری خداوند و اجماع مسئولان، برجام به ثمر رسید. موفقیت در این مذاکرات نیز زمانی به وقوع پیوست که افرادی که برای مذاکره گردهم آمده بودند، حداقل در سطح سیاسی، دارای شایستگی‌های انجام آن بودند. جلسات نفس‌گیر و سنگینی که سرانجام به برجام منتهی شد، بی‌تردید عاملی تعیین‌کننده در جلوگیری از سقوط مهلک پیش‌گفته اقتصاد کشور بود. به‌همین‌دلیل باید به دولت خسته‌نباشید، دست‌مریزاد و خداقوت گفت. فرزندان توانمند این کشور که مصادیق متعددی از این دست موفقیت‌ها را در هشت دهه گذشته نصیب کشورمان کرده‌اند، به‌راستی مایه افتخارند. گرچه سرپرست شایسته تیم مذاکره‌کننده ما، یعنی وزیر محترم امورخارجه، به‌درستی و در کمال صداقت این حقیقت را نیز بیان کردند که توافق انجام‌شده فتح‌الفتوح نیست. اما آنچه می‌توانم از مشاهدات شخصی و تجربی‌ام به تصویر بکشم، این است که صرف‌نظر از قابلیت‌های دیگر، تسلط وزیر و تیم همراه بر زبان خارجی و درنتیجه عدم نیاز به دیلماج، در کنار تجربه و دانش کافی از «زبان بدن» و هماهنگی پوشش‌های ظاهری و امثالهم، در موفقیت نمایندگان ما نقشی پراهمیت داشته است.

یادمان نرفته که برقراری ارتباط از طریق مسئولان کم‌دانش و تجربه و اغلب ناآشنا با زبان‌های بین‌المللی، که تکیه بر مترجم و تعبیر و تفسیرهای او را ناگزیر می‌کرد، طی یک سده گذشته لطمات فراوانی را در مذاکرات و قراردادهای اقتصادی منعقده بر ما تحمیل کرده است. فقدان شایسته‌سالاری در میان متولیان اقتصاد کشور و استفاده از نمایندگان کم‌توان و ناکارآمد، زمینه‌ساز این لطمات بوده است.

ادامه در صفحه ۱۵

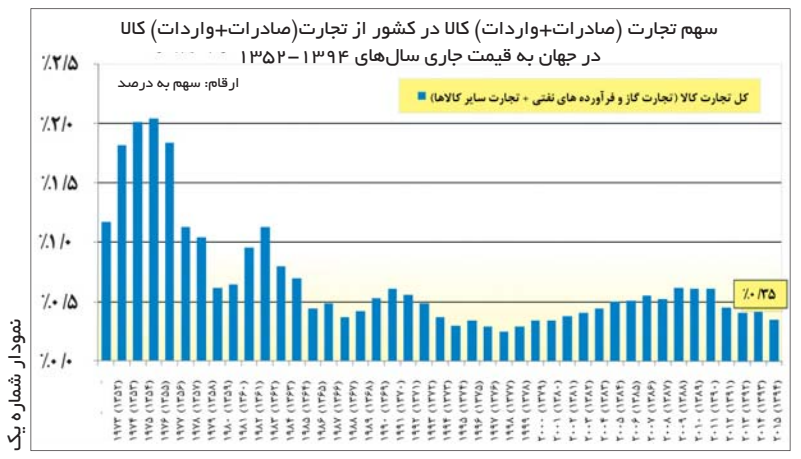


نمودار شماره یک

خبر

## رنو قرارداد تولید تندر ۹۰ را تمدید نکرد

● **ایسنا:** براساس جدیدترین خبر به‌دست‌آمده، شرکت رنو تاکنون از تمدید قرارداد تولید تندر ۹۰ در ایران خودداری کرده است. اواسط سال ۱۳۹۳ بود که ایسنا گزارش داد اعتبار قرارداد تولید تندر ۹۰ در ایران به اتمام رسیده است. در آن زمان، یک مقام مسئول در صنعت خودرو خبر داد: «متأسفانه، رنو به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده که می‌تواند از آن سوی دنیا تولید تندر ۹۰ در ایران را متوقف کند. در این شرایط، رنو قرارداد تولید تندر ۹۰ در ایران را که مدت‌زمان اعتبار آن نیز به پایان رسیده، تمدید نکرده است».اگرچه در آن زمان شنیده می‌شد رنو منتظر مشخص‌شدن نتیجه مذاکرات بین‌المللی برای رفع تحریم‌ها است تا برای تمدید قرارداد تولید تندر ۹۰ اقدام کند، هم‌اکنون با وجود گذشت حدود دو سال از لغو رسمی تحریم‌ها، یک مقام مسئول در صنعت خودرو در گفت‌وگو با ایسنا از تمدیدنشدن این قرارداد خبر می‌دهد. ناصر آقامحمدی، مدیرعامل پارس‌خودرو، در پاسخ به اینکه آیا قرارداد تولید تندر ۹۰ تمدید شده است؟ از تمدیدنشدن این قرارداد خبر داده و می‌گوید: «در این زمینه، در حال مذاکره با رنو هستیم.»در این شرایط، مشخص نیست چرا رنو با وجود گذشت حدود دو سال از لغو رسمی تحریم‌ها و موج بازگشت خودروسازان خارجی به ایران، از جمله پژو و هیوندای، تاکنون از تمدید قرارداد تولید تندر ۹۰ در ایران خودداری کرده است.

این وضعیت در حالی است که اگرچه قرار بود قرارداد همکاری این شرکت فرانسوی و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) برای آغاز تولید مشترک خودرو در ایران تا پایان سال گذشته به امضا برسد، این قرارداد هنوز منعقد نشده و شنیده می‌شود که دلیل طولانی‌شدن مذاکرات، برخی خواسته‌های رنو بوده که از سوی طرف ایرانی پذیرفته نشده است.

در این شرایط، باید دید این خودروساز فرانسوی به دنبال چیست و رنو در شرایطی که پژو و هیوندایی رسما فعالیت مجدد خود در ایران را آغاز کرده‌اند و فولکس‌واگن و فیات نیز در آستانه آغاز فعالیت خود در ایران هستند، سرانجام چه زمانی برای شفاف‌سازی فعالیت‌های خود در ایران اقدام خواهد کرد.